

نرخ‌های غیرواقعی و رقابت ناسالم موسسات حسابرسی

گفت‌وگو با محمد حاجی پور



حسابرسی، ارائه‌ی پیشنهاد قیمت پایین‌تر بعضاً با اخذ استعلام بوده است نه اسم، سابقه و پیشینه‌ی موسسه‌ی حسابرسی، به‌نحوی‌که در برخی از کارها از جمله شهرداری‌ها، نرخ‌های پیشنهادی در یک سال نسبت به سال قبل (بدون در نظر گرفتن نرخ تورم) به یک پنجم و حتی پایین‌تر نیز رسیده است. وی تصریح کرد: همچنین نرخ حسابرسی شرکت‌های بخش دولتی و غیردولتی نیز بر مبنای ۳۰ درصد پایین‌تر از نرخ دولتی سازمان حسابرسی تعیین شده که بعد از افزایش آن متناسب با نرخ تورم موجود به دلیل مقاومت کارفرمایان، نبوده است.

به نظر من شورای عالی جامعه‌ی حسابداران پیش از هر موضوعی باید در ابتدا به این مهم بپردازد چرا که شاهد بوده و هستیم و خواهیم بود که با همین نرخ‌های غیرواقعی و وجود رقابت ناسالم میان موسسات آینده‌ای امیدوار کننده برای این حرفه وجود ندارد. این نرخ‌های پائین و غیرواقعی به حیثیت حرفه لطمه وارد کرده

هدف اصلی از حسابرسی انجام سالانه جهت شفاف‌سازی اطلاعات را نمی‌خواهد و به دنبال هدف‌های ثانویه شامل اخذ تسهیلات مالی از بانک‌ها یا دریافت گزارش حسابرسی مالیاتی به واسطه‌ی انجام حسابرسی مالی است. اتفاقاً در جست‌وجوی راهکارهایی برای فرار از شفاف‌سازی اطلاعات مالی نیز هست. چرا که شفافیت مساوی است با پرداخت مالیات بیشتر، لذا انجام کار در این محیط با مخاطرات جدی همراه است.

دوم این‌که بخش دولتی و شبه دولتی که تا اندازه‌ای به دنبال شفاف‌سازی است، عمدتاً سفارش حسابرسی موسسات خود را به سازمان حسابرسی ارائه می‌دهند نه به موسسات و بنگاه‌های حسابرسی خصوصی. صورت مساله واضح و روشن است. در چنین شرایطی با توجه به تعدد موسسات حسابرسی که بعضاً شرکای برخی از این موسسات به‌صورت انفرادی یا جزیره‌ای کار می‌کنند و شرکای برخی از موسسات نیز فاقد تجربیات کافی در زمینه‌ی حسابرسی بوده و به‌واسطه‌ی برخی از ارتباطات در زمان تشکیل جامعه‌ی حسابداران رسمی کارت عضویت آن را دریافت کرده‌اند و همچنین موسسات تازه‌تأسیس دارای شرکای جوان ناآشنا به بازارکار و ... می‌باشند. سبب شکسته‌شدن نرخ‌ها و دستمزدها به‌خاطر جذب کار بیش‌تر بدون در نظر گرفتن عواقب بعدی و منافع آتی آن می‌شوند.

شریک مؤسسه‌ی حسابرسی و خدمات مدیریت رهبین یادآوری کرد که در سال‌های گذشته نیز تنها شاخص و پارامتر تعیین‌کننده سفارش کار و پذیرش کار

همه می‌پذیریم که چالش‌های اعضای شاغل جامعه‌ی حسابداران رسمی از زمان تأسیس آن تاکنون پررنگ‌تر و عمیق‌تر شده است. این چالش‌ها این بار در پاییز سال جاری از نگاه محمد حاجی پور، شریک مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت رهبین، مورد بررسی قرار گرفته است.

وی بابیان این نکته که به‌رغم آنکه هنوز عمر جامعه‌ی حسابداران رسمی به ده سال نیز نرسیده است اما باید صادقانه و شفاف بگوییم، مشکلات اعضای شاغل جامعه از زمان تأسیس تاکنون ده برابر شده و هر روز بر مشکلات آن افزوده می‌شود، به بخشی از این چالش‌ها اشاره کرد و گفت: اول آنکه هنوز جامعه کوچک است و اعضای آن نیز اندک هستند. نیروی انسانی واجد شرایط فعالیت در موسسات و بازار کار بسیار محدود است. اگر هم نیروی خبیره و متخصص درصدد راهیابی به این موسسات باشد، خواهان دستمزدی قابل توجه است. دستمزدی که به‌واقع، متناسب با حق الزحمه‌های دریافتی از کارفرمایان نیست. حق الزحمه‌های اندک موسسات و دستمزد بالای نیروی انسانی واجد شرایط دو مقوله‌ای است که باید پیرامون برقراری تعادل و توازن در آن راهکارهایی را به اجرا گذارد. ضمن این‌که اکثر کارهای حسابرسی در ایران براساس اجبار قانون انجام می‌شود نه براساس نیاز واقعی صاحبکاران جهت ایجاد شفافیت در اطلاعات مالی، این در حالی‌ست که جامعه‌ی ما با مقوله‌های متضاد دیگری نیز روبه‌رو است. اول آن‌که بخش خصوصی که از صاحبکاران بالقوه، محسوب می‌شوند

است. در این بین شاهد بودیم که دولت به موسسات حسابرسی از زمان تشکیل تاکنون هیچگونه تسهیلاتی در خصوص خرید دفاتر ارائه نکرده است.

وی نمونه ای ساده را مطرح کرد: ما نیاز به انباری برای انباشت پرونده هایمان داریم. این مشکل ملموس، واقعی و عینی بوده و تاکنون جایگزین دیگری برای تشکیل پرونده های حسابرسی از جمله فلش دیسکها یا حافظه مطمئن رایانه ای معرفی و قانونمند نشده است، به نظر شما این مشکل و مساله ای که برای همه مؤسسات وجود دارد چگونه باید رفع شود. از دیگر مشکلات حرفه ای حسابرسی که حاجی پور به آن اشاره کرد، تعلیم و تربیت نیروی انسانی بود. وی در این خصوص گفت: در این باره هم با چالشهای عدیده ای مواجه بوده و هستیم. نخست آن که چه تضمینی برای ماندگاری نیروهای تعلیم یافته وجود دارد؟ نیروی تعلیم دیده رشته های تخصصی نیاز به دریافت حقوق بالاتر دارند و در صورت عدم تأمین آن فردا می بینید راهی موسسه ای دیگر یا جذب کارهای دیگر اجرایی در شرکتها می شوند. مؤسسات حسابرسی نیز هیچگونه ضمانت اجرایی در این زمینه هم ندارند. همچنین رابطه ای معکوس بین افزایش حجم عملیات با عایدی و سود مؤسسات است. چرا که هرچه حجم عملیات مؤسسه افزایش می یابد، به دلیل نیاز به جذب نیروی انسانی متخصص تمام وقت، عایدی و سود مؤسسات کاهش می یابد. ضمن این که با افزایش حجم کار زمان کافی برای مطالعه و استراحت نیز وجود ندارد و بعضاً کیفیت نیز کاهش می یابد. ببینید چه رخ می دهد؟ زمانی که حجم کار بالاست، کارشناس متخصص و اهل مطالعه و آموزش دیده نداریم. زمانی هم که حجم کار پایین است، شاهد رقابتی ناسالم هستیم. ضمن اینکه با توجه به عدم وجود قانونی درخصوص نحوه تغییر

سالانه ای حسابررس مستقل و بازررس قانونی همیشه این ترس وجود دارد که در صورت عدم انتخاب مجدد مؤسسه برای سال آتی با پرسنل آماده به کار چه باید کرد.

وی خاطرنشان کرد: به گمان من موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، مبحث کنترل است. کنترل جامعه بر روی شاغلان انفرادی و اعضای غیرشاغل بسیار ضعیف است. نمی دانیم اعضای غیرشاغل، مشغول چه فعالیتی هستند و چه می کنند؟ آیا غیرشاغلان، در حوزه ی رشته های مالی فعالیت می کنند یا خیر، این که این غیرشاغلان بر مبنای چه ضابطه ای کار می کنند و آیا به جامعه ی حسابداران رسمی درخصوص عملکردشان پاسخگو هستند؟ همچنین شاغلین انفرادی که حتی دفاتر کاری مشخصی ندارند چه گونه می توان بر روی آن ها کنترل های لازم را اعمال کرد.

چالش دیگری که حاجی پور یادآور شد، وجود کانال های نظارتی متعدد است که خود زمینه ی نارضایتی میان اعضای جامعه را فراهم آورده است. وی در این خصوص به جامعه ی حسابداران رسمی از یک سو، سازمان بورس اوراق بهادار و همچنین سازمان امور مالیاتی از سوی دیگر اشاره کرد. وی تأکید کرد: من بر این باور هستم که توسعه ی کار از جمله اجرای کامل تصویب نامه ی اخیر هیئت وزیران توسط تمام ارگان ها و نهادهای ذیربط، در خصوص کمیسیون ماده ۱۳۸ قانون اساسی در زمینه ی افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابررسی، از راهکارهای اساسی برای برون رفت از وضعیت فعلی است. اجرایی شدن کامل آن می تواند مانع بروز مسایلی شود که اکنون مطرح است. از سوی دیگر با افزایش تعداد کارفرمایان تعیین دستمزد اندک و غیرواقعی نیز پایان می یابد. با افزایش حجم کار، جذب پرسنل متخصص با اطمینان بیشتر توسط مؤسسات حسابررسی انجام می پذیرد و از سوی دیگر از

اشتباهات و تخلفاتی که سازمان های نظارتی بر آن انگشت می گذارند، کاسته خواهد شد. چراکه اکثر این تخلفات از سوی شاغلین انفرادی، مؤسسات فاقد شرکای دارای تجربه حرفه ای کافی یا مؤسسات دارای حجم کار زیاد فاقد نیروی انسانی متخصص انجام شده و بعضاً نرخ پایینی را هم برای جذب کار بدون در نظر گرفتن بودجه ی واقعی جهت انجام صحیح فرایند یک کار حسابررسی مطمئن پیشنهاد می کنند. من گمان می کنم اگر همه ی ما بتوانیم به طور مداوم پیگیری و نظارت کنیم، بالاخره روزی شاهد تغییر روال کنونی خواهیم بود.

وی تصریح کرد: از دیگر مباحثی که باید در اینجا مطرح شود اشتباهی است که در قانون تشکیل جامعه ی حسابداران رسمی و اساسنامه ی آن است و آن تعیین سقف حداقل ۳ نفر در تشکیل یک مؤسسه ی حسابررسی است. این تعداد اگر ۳۰ نفر می بود، اکنون ما به جای ۱۸۰ مؤسسه تنها با ۱۸ مؤسسه یا حتی کمتر مواجه بودیم که کنترل و نظارت بر روی کار ایشان نیز بسیار ساده تر از سیستم کنونی بود. نرخ شکنی هم به این سادگی امکان پذیر نبود، کیفیت آموزش نیز ارتقا یافته و جامعه به جایگاه واقعی خود دست می یافت. هرچند همه ما می دانیم که ایرانی ها علاقه ای به فعالیت گروهی ندارند. اما سرانجام این پرهیز از فعالیت گروهی و عدم تاسیس مؤسسات بزرگ، موجب ایجاد همین مشکلاتی است که به آنان اشاره شده است.

محمد حاجی پور ادامه داد: می خواهم بگویم که آیا برای تشکیل مؤسسات بزرگ، مشوق هایی برای آن ها تعریف کرده ایم. مثلاً این که اگر تعداد اعضای مؤسس بیش از ۱۰ نفر بود، تسهیلات و مشوق هایی از جمله ارائه ی وام، شرایط پذیرش در مؤسسات معتمد بورس، واگذاری شرکت های و حتی بزرگ دولتی به این مؤسسات، وجود رتبه بندی

و تمایز قائل شدن بین این مؤسسات از سوی کارفرمایان، نحوه‌ی نظارت و کنترل و ... به هر حال ما مؤسسات حسابرسی امین دولت و جامعه تلقی شده و هر چقدر تعداد شرکای آن افزایش یابد ضمانت اجرایی آن درخصوص حفظ امانت‌داری، کاهش اشتباهات و تخلفات، شفافیت اطلاعات و ضمانت اجرایی آن به واسطه‌ی تضامنی بودن کار افزایش می‌یابد. جامعه در جمع و با جمع است که معنا می‌یابد. این راه‌حل، راهکاری است که اگر قابلیت اجرایی و ضمانت تشویقی داشته باشد، سبب می‌شود که تعداد شرکای مؤسسات افزایش یابد، سرانه‌ی هزینه‌های اداری، آموزشی، بازاریابی، اجاره‌ی دفتر کاهش یابد و حتی برتر از این‌ها این که برای یافتن نیرو و استخدام نیروها، موقعیت بهتر شده و تعامل مؤسسات نیز با یکدیگر بهتر خواهد شد. بپذیریم که اکنون تعداد شاغلان انفرادی نیز زیاد است.

متاسفانه تاکنون تصمیم‌گیری قطعی برای حل این مشکلات و معضلات ساده به اجرا گذارده نشده است. در مصوبات شورای عالی جامعه نیز این موضوعات مورد توجه نبوده است. آنان بیشتر از هر موضوع با چالش‌های آشکار و پنهان با سازمان‌هایی بورس و امورمالیاتی که جامعه‌ی حسابداران با آن مواجه است، درگیر بوده و از مشکلات اساسی مؤسسات حسابرسی جامانده‌اند. همچنین اکثریت اعضای شورای عالی جامعه از اعضای غیرشاغل بوده و کمتر با مشکلات مؤسسه‌داری آشنا هستند. به همین علت است که تاکنون برای ارتقای وضعیت مؤسسات موجود، کمبود نیروهای انسانی و سایر چالش‌های مطرح شده، راه‌حل منطقی مطرح نشده است.

وی تصریح کرد: من براین باور بوده و هستم که روند نظارت کنونی، پاسخ‌گوی نیاز واقعی به نظارت واقعی نیست. متاسفانه آن نظارتی که باید در این حوزه بر مؤسسات و شاغلان انفرادی حاکم باشد، نظارتی نیست

که باید باشد. برخی از مؤسسات و شاغلین انفرادی نیاز به نظارت بیشتری دارند. این موضوع را به این دلیل مطرح نمی‌کنم که بخواهم بگویم که آمار تخلف در مؤسسات بسیار بالاست. خیر؛ می‌خواهم تاکید کنم که برخی از مؤسسات نیاز به مراقبت بیشتری دارند، تا انگشت اتهام کم‌تر به سوی همه‌ی ما نشانه رود.

محور پایانی گفتگوی ما با این عضو جامعه حسابداران رسمی پیرامون راهکارهای مرتفع کردن چالش‌های مورد اشاره بود. وی تاکید کرد که یکی از نیازهایی که ما در جامعه به آن نیاز داریم تشکیل یک کارگروه ویژه است که مشکلات مؤسسات حسابرسی را مورد بررسی قرار دهد. البته این کارگروه تحت عنوان کارگروه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی اکنون نیز فعال است اما نه در آن حد و اندازه‌ای که ما انتظارش را داشته‌ایم. پیش از این بررسی مشکلات مؤسسات و اعضای جامعه، دعوت از مؤسسات بصورت سالانه بوده اما اکنون این دعوت ماهانه شده است.

این حرکت خوبی است اما در عین حال ما نیاز به تیمی داریم که هماهنگ عمل کنند و با اعضای جامعه و شورایی عالی در تعامل باشند. همچنین طبق بررسی‌های انجام شده اکثر اعضای شرکت‌کننده در این جلسات ماهانه کسانی هستند که با این مشکلات پیش‌گفته درگیر بوده و بدلیل نامعلوم تعداد اعضای شرکت‌کننده نیز بسیار محدود می‌باشد. ما هنوز در سطر اول مانده‌ایم. متاسفانه ما همبستگی لازم را نداریم تا در اصلاح این امور وارد عمل شویم. حاجی پور یادآور شد: همچنین برای تقویت حسابرسی می‌بایست به قوانین تکمیلی بیاوریم. قوانین مکمل از جمله اجرایی شدن قانون پولشویی، یکی از اساسی‌ترین معضلات ما این است که چون در بخش خصوصی بخش عمده دریافت و پرداخت از طریق حساب‌های جاری پنهان سهامداران

اصلی در شرکتها انجام می‌شود، پس ما نمی‌توانیم عملیات بانکی یک شرکت را بطور کامل کنترل یا نسبت به اخذ تأییدیه از حسابهای که در دفاتر ثبت نشده اقدام نمائیم و بعضاً تسهیلات مالی دریافتی از بانکها نیز بدون ثبت در دفاتر شرکت به این حسابها واریز می‌گردد و قابلیت ردیابی و پیگیری هم ندارند. این درحالیست که با تصویب قانون پولشویی، شفافیت حسابرسی ارتقا و فرار مالیاتی کاهش خواهد یافت. حتی در این بین جای خالی قانون برای شفافیت ارائه اطلاعات، در بخش وسیعی از خریداران و توزیع کنندگان کالا و مواد در کشور یعنی اصناف بسیار ملموس بوده و به دلیل ضعف قوانین درخصوص شیوه نگهداری حساب، نحوه صدور فاکتور فروش معتبر، ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده و همچنین عدم کنترل بر این صنف، ابزار فرار مالیاتی در این صنف بسیار مهیا و بالا بوده و البته برای شرکتهای خصوصی نیز که با همین اصناف با آگاهی کامل از نقص قوانین داد و ستد می‌کنند. بازاری مطمئن محسوب می‌شوند. آمار خرید و فروش انجام شده با این بازار پنهان بوده و بواسطه ارتباطات خاص بین شرکتهای خصوصی با دلالان و بنکداران (اصناف) شفافیت اطلاعات شرکتهای خصوصی را نیز کاهش خواهد یافت، لذا با اجرایی شدن درست قانون مالیات بر ارزش افزوده در این بخش تا اندازه‌ای مشکلات کمتر خواهد شد.

قانون تجارت هم که مربوط به حداقل ۴۰ سال پیش است و با توجه به تغییرات اقتصادی و اجتماعی انجام شده در سالهای اخیر همخوانی ندارد و نیاز به اصلاح داشته و وظیفه حسابرسان مستقل نیز در آن مورد توجه قرار نگرفته است. قانون مالیاتهای مستقیم و همچنین ماده ۲۷۲ قانون مزبور نیز نیازمند اصلاحات اساسی دارد که جامعه حسابداران می‌بایست در این خصوص پیشگام در ارائه پیشنهاد اصلاحی آن باشد.

